

فضيلت استغفار و درمان مشکلات و بیماری‌ها با آن

مؤلف: حسن بن احمد بن حسن همام
مترجم: پدram اندایش

اي پروردگار!

يا رب ان عظمت ذنوبي كثرة
فقد علمت بان عفوك اعظم
ان كان لا يرجوك الا محسن
فبمن يلوذ ويستجير المجرم
مالي اليك وسيلة الا الرضا
وجميل عفوك ثم اني مسلم

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله. مطلبی مختصر است درباره‌ی فضیلت‌های استغفار و اثرات آن بر زندگی دنیا و آخرت. هر آنچه خود مفصل است در این کتاب آمده است و چیزی به آن اضافه نمی‌کنم.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله است که باعث و بسیار آمرزنده می‌باشد؛ دستش را در روز باز می‌کند تا کسی که در شب بدي کرده است، توبه نماید و دستش را در شب باز می‌نماید تا کسی که در روز بدي کرده است، توبه نماید. او را به علت زیادی بخشش و نعمت دادنش و بزرگ بودن عطا کردنش و احسان نمودنش، شکر و ستایش می‌نمایم و صلوات و سلام بر پیامبر برگزیده‌اش و فرستاده‌ی انتخاب شده‌اش محمد و بر آل و اصحابش تا روز قیامت، و اما بعد: الله Y به بندگانش در بسیاری از آیات کتاب گرامی‌اش، امر فرموده است تا توبه و استغفار (طلب آمرزش) نمایند و خود را غفار و غفور (بسیار آمرزنده) و غافر الذنوب (آمرزنده‌ی گناهان) نامیده است و کسانی که طلب آمرزش می‌نمایند را ستایش نموده است و به آنها وعده‌ی ثوابی زیاد داده است. الله Y از طلب آمرزش کننده‌ی راستگو راضي می‌شود؛ زیرا او به گنااهش اعتراف می‌کند و در پیشگاه پروردگار و خالقش خود را ذلیل می‌نماید؛ طلب آمرزش داروي سودمند و علاج نجات دهنده از گناهان و خطاها است؛ ای کسی که دچار اضطراب هستی و غم تو را فرا گرفته است و اندوه تو را عذاب می‌دهد، بر توست که استغفار نمایی؛ زیرا آن ابر مشکلات را پراکنده می‌کند و ابرهای غم را از بین می‌برد و آن مرهم شفا دهنده و داروي کافي می‌باشد، و در اثر آمده است: «هرگز الله به بنده‌ای استغفار را الهام نمی‌کند و در کنار آن بخواهد او را عذاب دهد».

بر توست ای برادر! تا این مطلب را که درباره‌ی استغفار است مطالعه کنی تا بر راهی قرار گیریم که الله تعالی ما را از کسانی قرار دهد که وقتی نیکی می‌کنند، شاد می‌شوند و وقتی بدي می‌کنند، طلب استغفار می‌نمایند و الحمد لله رب العالمین.

تعریف استغفار

استغفار مصدري از استغفر يستغفر می‌باشد و سه حرف اصلی آن «غفر» است، چیزی که بر پوشاندن دلالت می‌کند و الغفر پوشانندگی است و غفران به همان معنا است، گفته می‌شود، الله تعالی گناه او را آمرزید و مغفرة و غفراناً. راغب گفته است: الغفر پوشیدن چیزی است که از ناپاکی حفظ می‌کند و از آن این است که گفته می‌شود: «اغفر ثوبك في الدعاء» (قلبت را با دعا حفظ کن)، و الغفران و المغفرة است و استغفار طلب آن با سخن و عمل است و گفته می‌شود: «اغفروا هذا الأمر بمغفرتة» به معنای آن است که آن را ببوشان با چیزی که پوشاندن آن واجب است. «الغفور» و «الغفار» و «الغافر» از اسمهای نیک الله تعالی است و معنای آن پوشاننده‌ی گناهان بندگان و در گذشتن از خطاها و گناهان آنها می‌باشد.

غزالی گفته است: «الغفار» کسی است که زیبایی را آشکار می‌نماید و زشتی را می‌پوشاند و گناهان از زشتی‌هایی می‌باشند که در دنیا پوشیده می‌شوند و در آخرت از مجازات برای آنها صرف نظر می‌شود. خطابی گفته است: «الغفار» کسی است که گناهان بندگان را دفعه‌ای بعد از دفعه‌ای دیگر می‌آمرزد و هر بار که توبه تکرار می‌شود، آمرزش نیز تکرار می‌شود. «الغفار» پوشاننده‌ی گناهان بندگان با لباس عطف و مهربانی است، امر بنده‌اش را برای مخلوقاتش آشکار نمی‌کند و با چیزهای پوشیده‌ی او، او را مورد بی‌حرمتی قرار نمی‌دهد و با مجازاتی که نزد مردم مشهور است او را عذاب نمی‌دهد.

حقیقت استغفار و اسباب آن

انسان از روي طبیعت بشری‌اش از خطا و انجام گناه معصوم نمی‌باشد، همچنین دشمنان او زیاد می‌باشند: از آنها نفسی است که بین پهلوهایش قرار دارد و او را به بدي امر می‌کند و آن را برایش زینت می‌دهد: {إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَقَ رَبِّي} (نفس بسیاری امر کننده به بدي است مگر کسی که مورد رحمت پروردگارم قرار بگیرد). از آنها شیطان است: دشمنی است که انسان را به کارهایی دعوت می‌کند که باعث هلاکت وی می‌شود. از آنها هوای اوست: از راه الله تعالی باز می‌دارد. از آنها دنیا با فریب‌ها و زیورآتش است. معصوم کسی است که الله تعالی او را حفظ کند و ما را از غفلت و سستی در اطاعت و کوتاهی از امر الله تعالی نهی می‌کند؛ به همین دلیل پیامبرم در حدیثی که ابوهریره-

آوردۀ است، گفته است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُذُنْبُوا لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذُنِبُونَ فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ»¹ (قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر گناه نکنید، الله شما را می‌برد و قومی را می‌آورد که گناه می‌کنند و طلب استغفار می‌نمایند و او آنها را می‌آمرزد).

در جایی دیگر فرموده است: «كُلُّ بَنِي آدَمَ حَطَّاءٌ وَخَيْرُ الْأَخْطَائِينَ التَّوَّابُونَ»² (تمامی بنی آدم بسیار خطاکار می‌باشند و بهترین خطاکاران کسانی هستند که بیشتر و شدیدتر توبه می‌نمایند). اما در اینجا مسأله‌ای وجود دارد و گریزی نیست که باید از آن آگاهی صورت گیرد و آن این است که عده‌ی زیادی از مردم اعتقاد دارند که استغفار با زبان است، فردی از آنان است که می‌گوید: «استغفر الله» (از الله طلب آمرزش می‌نمایم)... سپس اثری از این کلمات در قلب وجود ندارد، همان گونه که می‌بینیم که اثری بر اعضای بدن ندارند، این گونه استغفار نمودن عمل دروغ‌گویان است. فضیل بن عیاض رحمة الله گفته است: «استغفاری که با خودداری از گناه همراه نباشد، توبه‌ی بسیار دروغ‌گویان است». یکی از صالحان می‌گفت: «استغفار ما نیاز به استغفار دارد» به معنای آن که استغفار صورت می‌گیرد ولی گناه ترک نمی‌شود، در این صورت است که خود استغفار کردن نیاز به استغفار دارد. در حقیقت استغفارمان بنگریم تا از کسانی نباشیم که از روی دروغ با زبانشان استغفار می‌کنند و این در حالی است که به گناه ادامه می‌دهند.

استغفار خصوصیتی برای مؤمن است

وقتی ابراهیم با پدرش بحث می‌نمود و او را به سوی توحید دعوت می‌داد، پدرش با بدترین برخورد با او برخورد می‌نمود، در این سخن او تأمل کنیم: {لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا} (3) (اگر تمامی نکنی تو را قطعاً سنگسار می‌کنم و از نزد من به مدت زیادی دور شو!)، اگر به این سخن توجه کنیم می‌بینیم که بعد از عبارات با عاطفه-ای است که ابراهیم آنها را بیان نمود.

وقتی ابراهیم این سخن را از پدرش شنید: {لَأَرْجُمَنَّكَ} (تو را سنگسار می‌کنم) با او به مانند وی با بدی برخورد ننمود، بلکه اولین چیزی که به ذهنش رسید آن بود که برای وی طلب استغفار نماید: {قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا} (4) (گفت: سلامتی بر تو! برای تو از پروردگرم استغفار می‌نمایم، او در حق من مهربان است). اولین چیزی که به فکر ابراهیم رسید این بود که برای وی طلب استغفار نماید و این استغفار به طمع هدایت وی بود، به همین دلیل الله تعالی می‌فرماید: {وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ} (5) (و طلب استغفار ابراهیم، برای پدرش دلیلی نداشت، مگر برای وعده‌ای که به او داده بود، ولی وقتی که برای او روشن شد که او دشمن الله است، از وی بیزاری جست، همانا ابراهیم بسیار دست به دعا برنده [و] بسیار صبور بود).

درست این است که برای مشرکان استغفار صورت نگیرد و آن خصوصیتی فقط برای مؤمنان است، الله تعالی بر آن تأکید نموده و می‌فرماید: {مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ} (6) (برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند جایز نیست تا برای مشرکان طلب استغفار کنند، حتی اگر از نزدیکان باشند، و این امر بعد از آن باشد که برای آنها (مسلمانان) روشن شد که آنها (مشرکان) اهل جهنم هستند). ابوهیرره آوردۀ است که رسول الله فرمود: «اسْتَأذَنْتُ رَبِّي أَنْ أَسْتَغْفِرَ لِأُمِّي فَلَمْ يَأْذَنْ لِي وَاسْتَأذَنْتُهُ أَنْ أُزَوِّرَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي» (7) (از الله اجازه خواستم تا برای مادرم طلب آمرزش نمایم، او به من اجازه نداد و از او اجازه خواستم تا به دیدار [قبرش] بروم و به من اجازه داد).

در صحیح بخاری (بخاری) از سعید بن مسیب از پدرش آمده است که وقتی مرگ ابوطالب نزدیک شد، پیامبر نزد او رفت و این در حالی بود که ابوجهل نزد او بود، فرمود: «أَيُّ عَمِّ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمَةٌ أَحَاجُ لَكَ بِهَا عِنْدَ اللَّهِ» (ای عمو! بگو هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز الله وجود ندارد، این سخنی است که آن را برای تو نزد الله حجت قرار می‌دهم)، ابو جهل و عبد الله بن ابی امیه گفتند: ای ابوطالب آیا از ملت عبد المطلب خارج می‌شوی؟ همچنان سخن خود را ادامه دادند تا آن که آخرین چیزی که او گفت، این بود: «من بر ملت عبد المطلب هستم، پیامبرم فرمود: «لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ مَا لَمْ أُنْهَ عَنْهُ» (برای تو طلب استغفار می‌نمایم که از آن نهی نشده‌ام). در این حال این آیه نازل شد: {مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ

1 - صحیح مسلم 7141. (مترجم)

2 - سنن ابن ماجه 4251 و شیخ آلبنی آن را حسن دانسته است. (مترجم)

(3) سورة مريم، الآية: 46.

(4) سورة مريم، الآية: 47.

(5) سورة التوبة، الآية: 114.

(6) سورة التوبة، الآية: 113.

(7) صحیح مسلم، کتاب الجنائز باب استئذان p برقم: 1621.

أَمْثُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنََّّهُمْ أَصْحَابُ الْحَجِيمِ} (1) (برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند جایز نیست تا برای مشرکان طلب استغفار کنند، حتی اگر از نزدیکان باشند، و این امر بعد از آن باشد که برای آنها (مسلمانان) روشن شد که آنها (مشرکان) اهل جهنم هستند) و همچنین نازل شد: {إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ} (2) (تو کسی را که دوست داشته باشی هدایت نمی‌کنی ولی الله هر که را بخواهد هدایت می‌نماید و او به هدایت یافتگان آگاه‌ترین است) (3).

درباره‌ی منافقان این آیه را قرائت می‌کنیم: {اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} (4) (برای آنها طلب آمرزش نمایی یا طلب آمرزش ننمایی، اگر برای آنها هفتاد بار طلب آمرزش نمایی، الله آنها را نمی‌آمرزد، این از برای آن است که به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌نماید).

درباره‌ی آن، حدیث ابن عمر رضی الله عنهما وجود دارد که امام بخاری (بخاری) آن را روایت کرده و آورده است: وقتی عبد الله بن ابی و فات نمود، پسرش نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول الله! لباست را بده تا او را در آن کفن کنم و برای او نماز میت بخوان و طلب استغفار نما! پیامبر لباس خود را به او داد و فرمود: «إِذْنِي أَصَلِّي عَلَيْهِ» (آیا اجازه می‌دهی تا بر وی نماز [میت] بخوانم) و به او اجازه داد، وقتی خواست تا نماز بخواند، عمر ح او را کشید و به او گفت: «آیا الله تو را نهدی نفرموده است که بر منافقان نماز [میت] نخوانی؟» او فرمود: «أَنَا بَيْنَ خَيْرَتَيْنِ» (به من بین آن دو [استغفار کردن و استغفار نکردن] اختیار داده شده است، می‌فرماید: {اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} (برای آنها طلب استغفار نمایی یا طلب استغفار ننمایی اگر برای آنها هفتاد بار طلب استغفار نمایی، الله آنها را نمی‌آمرزد، این از برای آن است که به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌نماید). در نتیجه برای او نماز [میت] خواند و این آیه نازل شد: {وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ} (5) (هرگز بر کسی از آنها که مُرد نماز [میت] نخوان و بر قبر او نایست، زیرا آنها به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و در حالی مردند که کافر بودند) (6).

بر این اساس گفته می‌شود: استغفار چیزی است که الله تعالی آن را مخصوص مؤمنان قرار داده است و برای بقیه‌ی مردم جایز نمی‌باشد و آن را فقط برای آنها انتخاب نموده است. وقتی این گونه است آیا شایسته می‌باشد که از این نعمت محافظت نکنیم و از آن در آخرت و دنیای خود استفاده نکنیم.

در مقابل آن پیامبر برای مؤمنان طلب استغفار می‌نمود. ابوهریره ح گفته است: رسول الله روزی که پادشاه حبشه نجاشی وفات نمود، ما را از وفات او باخبر ساخت و فرمود: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ» (برای برادران طلب آمرزش نمایید!) (7).

برای کسانی که [در پایان حج و عمره] سرشان را می‌تراشند، سه با طلب آمرزش نمود و برای کسانی که [در این حالت] موی خود را کوتاه می‌کنند، یکبار استغفار کرد و مطالب در این باره بسیار است. حتی برای کودکان!! بله رسول الله برای کودکان نیز استغفار می‌نمود، در مسند از ابو ایاس آمده است: پدرم در حالی که پسر بچه‌ای بود، نزد پیامبر رفت و پیامبر بر سر او دست کشید و برای او استغفار نمود (8).

سخنان پیشینیان درباره‌ی استغفار

أبو موسی ح گفته است: «دو امان از عذاب برای ما وجود داشت، یکی از آنان رفت که همان وجود رسول p بین ما بود و [دیگری] استغفار است که با ما باقی مانده است و اگر برود، هلاک می‌شویم» (9).

ربیع بن خثیم گفته است: به سویی پروردگارتان زاری نمایید و او را در حالت ثروتمندی بخوانید، الله فرموده است:

(1) سورة التوبة، الآية: 113.

(2) سورة القصص، الآية: 56.

(3) صحيح بخاري (بخاری) كتاب المناقب، باب قصة أبي طالب رقم: 3595.

(4) سورة التوبة، الآية: 80.

(5) سورة التوبة، الآية: 84.

(6) - صحيح بخاري (بخاری) 1269. (مترجم)

(7) بخاري (بخاری)، كتاب الجنائز، باب الصلاة على الجنائز بالمصلى والمسجدة، رقم: 412.

(8) سنن الإمام أحمد، رقم: 15661. شيخ شعيب الارنوط گفته است: اسناد آن صحيح و رجال آن رجال شيخین هستند. (مترجم)

(9) التوبة إلى الله از غزالي.

«کسی که در حالت ثروتمندی مرا بخواند در حالت سختی او را اجابت می‌کنم و کسی که از من درخواست کند به او می‌دهم و کسی که برای من تواضع نماید، او را بالا می‌برم و کسی که خود را وقف من نماید او را رحمت می‌کنم و کسی که از من استغفار نماید او را می‌آمزم»⁽¹⁾.

از سهل درباره‌ی استغفاری که گناهان را پاک می‌کند سوال شد، او گفت: «اول استغفار استجاب است سپس بازگشت سپس توبه می‌باشد؛ استجاب عمل اعضایی بدن است و بازگشت عمل قلب و توبه روی برگرداندن به سوی مولی و ترک مخلوقات است، سپس باید استغفار از الله برای کوتاهی که صورت گرفته است، انجام پذیرد»⁽²⁾.

ابن جوزی گفته است: «ابلیس گفت: بنی آدم را با گناهان هلاک می‌کنم و آنها مرا با استغفار و گفتن { لا إله إلا الله } هلاک می‌کنند، وقتی آن را در بین آنها دیدم هوای آنها را بر آنان مسلط می‌کنم، در نتیجه گناه می‌کنند و طلب استغفار نمی‌نمایند، زیرا آنها می‌پندارند که عمل نیکی انجام می‌دهند»⁽³⁾.

قتاده رحمة الله گفته است: «قرآن شما را به بیماری‌تان و درمانتان راهنمایی می‌نماید، بیماری شما گناهان می‌باشد و داروی شما طلب استغفار است».

علی کرم الله وجهه گفته است: «عجیب است که کسی هلاک شود و نجات همراه او باشد» گفتند: و آن [نجات] چیست؟ گفت: «طلب استغفار».

وی می‌گفت: «این طور نیست که الله سبحانه و تعالی به بنده‌ای استغفار را الهام کند و بخواهد او را عذاب دهد». یکی از صالحان گفته است: «بنده بین گناه و نعمت قرار دارد و چیزی آن دو را اصلاح نمی‌کند، مگر شکر و استغفار».

روایت شده است که لقمان به پسرش می‌گفت: «برای الله زمانهایی وجود دارد که [در آن زمانها] درخواست کننده چیزی نمی‌خواهد و این در حالی باشد که او آن [درخواست] را رد کند، پس طلب استغفار را زیاد کن». عایشه رضی الله عنها گفته است: «طوبی برای کسی است که در پرونده‌ی اعمالش طلب استغفار زیاد وجود داشته باشد».

أبو المنهال گفته است: «همسایه‌ای برای بنده در قبر دوست داشتنتی‌تر از طلب استغفار وجود ندارد». حسن بصری می‌گفت: «در خانه‌هایتان استغفار را زیاد کنید و [همچنین] در سر سفره و در راه‌هایتان و در بازار هایتان و در مجالستان؛ زیرا شما نمی‌دانید که چه زمان مغفرت نازل می‌شود؟».

یک بادیه نشین می‌گفت: «کسی که می‌خواهد در زمین ما همسایه‌ی ما شود، طلب استغفار خود را زیاد کند، زیرا طلب استغفار القطار است» و قطار ابری است که دارای باران زیاد است.

بکر بن عبد الله مزنی گفته است: «شما زیاد گناه می‌کنید، در نتیجه استغفار کردن خود را زیاد کنید! شخصی که در پرونده‌ی اعمالش در بین هر دو سطر، استغفار وجود داشته باشد در آن مکان، خوشحال خواهد شد».

ابن تیمیه رحمة الله گفته است: «هر مسأله‌ای که مرا دچار مشکل می‌کند، هزار بار طلب استغفار می‌کنم تا این که سینه‌ام گشایش پیدا کند و مشکلی که برایم ایجاد شده است، از بین برود، چه در بازار یا مسجد یا مدرسه باشم، هیچکدام مرا از یاد [الله تعالی] و استغفار باز نمی‌دارد تا این که به هدفم برسم».

الفاظی که با آن طلب استغفار صورت می‌گیرد

در اینجا الفاظی وجود دارد که در احادیث صحیح از پیامبرم روایت شده است و شایسته مسلمان است که آنان را بگوید، و در این عمل اقتدای خود را به پیامبرم زیاد کند، از این الفاظ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ»⁽⁴⁾ (پروردگارا! مرا ببامرز! و توبه‌ی مرا بپذیر! همانا تو بسیار توبه پذیر [و] دائماً رحمت کننده هستی).

از آنها: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»⁽⁵⁾ (از الله طلب آمرزش می‌نمایم کسی که هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز او وجود ندارد، زنده و برپا و برپا دارنده است و به سوی او توبه می‌نمایم).

از آنها: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»⁽⁶⁾ (از الله طلب آمرزش می‌نمایم و به سوی او توبه می‌نمایم).

از آنها سید استغفار است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»⁽⁷⁾ (یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز تو وجود ندارد، مرا خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و من بر عهد تو و وعده‌ی تو

(1) منهاج الصالحين (951).

(2) التوبة إلى الله از غزالی.

(3) مفتاح دار السعادة از ابن القيم.

(4) رواه البخاري(بخاری).

(5) رواه أبو داود و الترمذي و الحاكم وقال حديث صحيح على شرط البخاري ومسلم.

(6) منفق عليه.

(7) رواه مسلم.

هستم تا آنجا که بتوانم، به تو پناه می‌برم از شر آنچه انجام داده‌ام، به نعمتی که من داده‌ای اقرار می‌کنم و به گناهم اقرار می‌نمایم، در نتیجه مرا ببامرز، همانا گناهان را کسی نمی‌آمرزد، مگر تو).

این الفاظی است که از پیامبر در احادیث صحیح ذکر شده است، وقتی الفاظ دیگری وجود دارد که شخص را به این معناها می‌رساند، ایرادی وجود ندارد که با آن الفاظ طلب آمرزش نماید، ولی بهتر است از اذکاری تبعیت شود که سینه به سینه از پیامبر به ما رسیده است.

گذری کوتاه بر سید استغفار

شَدَاد بن اَوْس آورده است که پیامبر فرمود: «سَيِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ اَنْ تَقُولَ اللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِيْ وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَنَا عَلٰى عَهْدِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاَبُوْءُ لَكَ بِذَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ» (سید استغفار این است که بگویی: یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز تو وجود ندارد، مرا خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و من بر عهد تو و وعده‌ی تو هستم تا آنجا که بتوانم، به تو پناه می‌برم از شر آنچه انجام داده‌ام، به نعمتی که من داده‌ای اقرار می‌کنم و به گناهم اقرار می‌نمایم، در نتیجه مرا ببامرز، همانا گناهان را کسی نمی‌آمرزد، مگر تو) و فرمود: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ اَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ اَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ» (کسی که آن را با یقین در روز بگوید و در آن روز بمیرد قبل از آن که شب شود او از اهل بهشت خواهد بود و کسی که آنرا با یقین در شام بگوید و قبل از آن که صبح برسد، بمیرد، او از اهل بهشت خواهد بود)⁽¹⁾.

پیامبر این دعا را سید استغفار نامید و همان طور که در قبل آمد الفاظ دیگری برای استغفار وجود دارد، ولی پیامبر این دعا را «سید الاستغفار» نامید، با تأمل در الفاظی که در این حدیث آمده است، معانی را می‌یابیم که بدین شرح می‌باشد:

- «اللهم أنت ربي»: اقرار به توحید ربوبیت² الله Y است.
 - «لا إله إلا أنت»: اقرار به توحید الوهیت³ الله Y است.
 - «خلقتني وأنا عبدك»: اقراری از طرف بنده است که بیان عبودیت و خواری و خشوع در برابر الله Y می‌باشد.
 - «وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مَا اسْتَطَعْتُ»: اقراری از طرف بنده است به التزام داشتن به راه مستقیم و منهج پروردگار جهانیان به اندازه‌ی توانش و کوشش خود را معطوف آن ساختن.
 - «أعوذ بك من شر ما صنعت»: پناه بردن بنده و در قلعه‌ی الله تعالی قرار گرفتن از تمامی شرها و مجازاتهای گناه و گناهانی که انجام پذیرفته است.
 - «وَأَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ»: اقرار و اعتراف بنده به نعمتهایی که الله تعالی به او عطا فرموده است و همچنین بخشش و کرم الله تعالی به بنده‌اش با انواع بسیاری از نعمت که قابل شمارش نیستند.
 - «وَأَبُوْءُ بِذَنْبِيْ»: اعتراف و اقرار بنده به گناهانش، چه گناه خاصی باشد و چه عموم گناهان.
 - «فَاغْفِرْ لِيْ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ»: طلب آمرزش از الله Y و خواری نمودن در پیشگاهش می‌باشد.
- با نگرستن در آنچه از استغفار که در این معانی بزرگ وجود دارد، می‌فهمیم که چرا پیامبر آن را «سید الاستغفار» نامید.

حالتها و زمانهایی که استغفار در آن مستحب است

طلب استغفار در هر زمانی مشروع است ولی در اینجا زمانها و حالتهاى مخصوصی را بیان می‌داریم که استغفار نمودن در آنها فضیلت بیشتری دارد، این زمانها:
بعد از فارغ شدن از انجام عبادت‌ها:

استغفار در این حالت مستحب است از بیم آن که در انجام آن عبادات کوتاهی و خللی صورت پذیرفته باشد، الله Y می‌فرماید: {ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (4) (سپس از جایی که مردم باز می‌گردند، باز گردید و از الله طلب آمرزش نمایید که الله بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است).

(1) رواه البخاري(بخاری).

² -توحید ربوبیت: توحید پروردگار بودن است که شامل پادشاهی، خلقت و تدبیر می‌باشد.(مترجم)

³ - توحید الوهیت: توحید در پرستش و بندگی است.(مترجم)

(4) سورة البقرة، الآية: 199.

این آیهی گرامی در قرآن مخصوص حج بعد از طواف افاضه می‌باشد؛ در اینجا استغفار آمده است تا برای آن که اگر خللی در عبادت و یا کوتاهی در انجام آن صورت گرفته باشد، از آن طلب استغفار صورت گیرد. همان گونه که در دین بعد از نمازهای پنجگانه آمده است و پیامبرم وقتی نمازهای فرض (واجب) را بجا می‌آورد بعد از آن سه بار طلب استغفار می‌نمود؛ این برای کوتاهی است که بنده در نماز به علت غفلت یا سهواً دچار آن شده است و در نتیجه برای آن، طلب استغفار می‌نماید.

استغفار در سحر:

الله Y بندگان را که در این وقت مبارک از او طلب استغفار می‌کنند را ستایش نموده و می‌فرماید: {الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ} (1) (صبرکنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و طلب استغفار کنندگان در سحرها).

همچنین الله Y می‌فرماید: {كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} (2) (آنان اندکی از شب را می‌خوابیدند * و در سحرها طلب استغفار می‌نمودند).

در تفسیر سخن الله Y که از یعقوب حکایت کرده است، آمده است:

{قَالَ سَوَّفْتُ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ} (3) (گفت: «برای شما از پروردگارم طلب استغفار می‌نمایم و او بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت‌کننده است)، به این معنا که او استغفار را به تأخیر انداخت تا وقت سحر (4)، سبب فضیلت این وقت این است که الله Y در آن دعا را مستجاب می‌نماید و به کسی که درخواستی داشته باشد، عطا می‌نماید و طلب استغفار کننده را می‌آمرزد.

ابوهریره رض آورده است که رسول الله ص فرمود: «يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ وَمَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ» (5) (پروردگار ما هر شب وقتی یک سوم آخر آن باقی مانده است، به آسمان دنیا نزول می‌کند و می‌فرماید: چه کسی از من دعا می‌کند، پس [دعا] او را مستجاب می‌کنم و چه کسی از من درخواستی دارد، پس به او عطا می‌نمایم و چه کسی از من طلب استغفار می‌نماید، پس او را می‌آمرزم).

خالد بن معدان گفته است: «الله Y می‌فرماید، دوست داشتنی‌ترین بندگانم نزد من کسانی هستند که از روی دوست داشتن من، همدیگر را دوست دارند و قلبهایشان متعلق به مساجد است و در سحرها طلب استغفار می‌نمایند» (6).

در پایان مجالس:

آن وقتی است که انسان در مجلسی خاص همراه برادران یا در مجتمعات یا در سرکارش قرار دارد صورت می‌گیرد، زیرا عایشه رضی الله عنها گفته است: پیامبرم از مجلسی بلند نمی‌شد مگر آن که می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ ثُمَّ أَتُوبُ إِلَيْكَ» (پاک و منزله هستی پروردگار ما و تو را حمد گفته، هیچ پرسشش شونده‌ی برحق جز تو وجود دارد، از تو طلب آمرزش می‌نمایم [و] سپس به سوی تو توبه می‌نمایم)، گفتم: ای رسول الله! چرا زیاد این کلمات را هنگام بلند شدن [از مجلس] بیان می‌فرمایی؟ فرمود: «لَا يَقُولُهُنَّ مِنْ أَحَدٍ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسِهِ إِلَّا غَفَرَ لَهُ مَا كَانَ مِنْهُ فِي ذَلِكَ الْمَجْلِسِ» (کسی این [ذکر] را هنگام بلند شدن از مجلسی نمی‌گوید، مگر آن که آنچه در آن مجلس انجام داده است، آمرزیده می‌شود) (7).

این فرصت بزرگی است و مسلمان نباید در آن غفلت داشته باشد، مخصوصاً در مجالس ما که سخن زیاد گفته می‌شود و انسان در مسائلی وارد می‌شود که الله تعالی به آن آگاه است.

طلب استغفار برای مُردگان:

پیامبرم وقتی از دفن میت فارغ می‌شد، بر کنار آن ایستاده و می‌فرمود: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ التَّثْبِيتَ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ» (8) (برای برادران طلب استغفار نمایید و [از الله تعالی] درخواست نمایید که او را ثابت گرداند، زیرا اکنون از او سوال می‌شود).

چه کسی از میت در این حالت سخت‌بیشتر به استغفار و طلب مغفرت از الله Y نیاز دارد؛ به همین دلیل پیامبرم وقتی بر سر قبر آنان می‌رفت بر قبر آنها ایستاده و برای آنان طلب آمرزش می‌فرمود.

(1) سورة آل عمران، الآية: 17.

(2) سورة الذاریات، الآيات: 17، 18.

(3) سورة يوسف، الآية: 98.

(4) نگاه شود به تفسیر ابن کثیر، تفسیر آیه: 97 سورة يوسف.

(5) رواه البخاری (بخاری)، الفتح: 7494/13. مسلم: (758) و لفظ برای او می‌باشد.

(6) إحياء علوم الدین از غزالی: ص 313.

(7) رواه الحاكم (497، 466/1) وقال حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه ووافقه الذهبي.

(8) رواه أبو داود.

استغفار ملائک

ملائک مخلوقی از مخلوقات الله Y می‌باشند که الله تعالی آنان را از نور آفریده است، همان گونه که در حدیث آمده است: «خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ»¹ (ملائک از نور خلق شده- اند و جن‌ها از سر شعله‌ی آتش و آدم از آنچه برای شما توصیف شد).

ملائک همان گونه که الله Y آنان را توصیف نموده است می‌باشند: {لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} (2) (از الله در آنچه به آنها امر فرموده است، نافرمانی نمی‌کنند و آنچه که به آنها امر می‌شود را انجام می‌دهند). همچنین: {يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ} [الأنبياء: 20] (شب و روز تسبیح می‌گویند [و] سستی نمی‌ورزند). آنها مخلوقات گرامی می‌باشند که در قرآن آمده است که طلب استغفار می‌نمایند، ولی برای چه کسی طلب استغفار می‌نمایند؟ آنان برای اهل زمین طلب استغفار می‌کنند و مخصوصاً برای مؤمنان آنها. استغفار ملائک این است که از الله Y برای بندگانش طلب استغفار می‌نمایند تا خطاهای آنان را بی‌آمرزد و از بدی‌های آنها درگذرد، الله Y در کتاب گرامی‌اش می‌فرماید: {تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} (3) (نزدیک است که آسمانها بالای آنها در هم بشکافد و ملائک پروردگارش را تسبیح می‌کنند و حمد می‌نمایند و برای کسانی که بر روی زمین هستند، طلب استغفار می‌نمایند، آگاه باشید که الله بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است). الله Y می‌فرماید: {الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ} (4) (کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که در اطراف آن هستند: پروردگارش را تسبیح و حمد گفته و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب استغفار می‌نمایند، [و می‌گویند]: پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی که توبه نموده‌اند و از راهت تبعیت می‌کنند را بیامرزد و آنان را از عذاب آتش جهنم حفظ بفرما!).

همچنین حال دیگری که ملائک برای بنده طلب استغفار می‌نمایند، وقتی است که بنده در مسجد می‌باشد و در انتظار نماز است. این زمان، زمان انتظار است و از زمانهای شریفی می‌باشد که برای او ثواب نوشته می‌شود و به الله Y تقرب می‌یابد و ملائک برای او طلب استغفار می‌نمایند و برای او دعا می‌کنند. از ابوهیره آمده است که رسول الله p فرمود: «الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ الَّذِي صَلَّى فِيهِ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ مَا لَمْ يُحْدِثْ» (5) (ملائک بر شخصی از شما صلوات می‌فرستند تا زمانی که در نمازخانه‌اش نماز می‌خواند، می‌گویند: یا الله او را بیامرزد! یا الله! او را رحمت کن! [و این تا زمانی صورت می‌گیرد] که سخن نگوید).

استغفار پیامبران صلوات الله وسلامه عليهم

پیامبران و رسولان، برگزیدگان الله Y در بین مخلوقات هستند و آنان با حفظ شدنی توسط الله Y معصوم می‌باشند و با وجود مکانت و منزلت و ارزششان در نزد پروردگارش و با وجود آن که معصوم بودند، با زاری نمودن به طرف پروردگارش دعا می‌نمودند و به طمع آمرزش پروردگارش، طلب استغفار می‌کردند.

الله Y درباره‌ی پدر و مادر انسانها علیهما السلام می‌فرماید: {قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (6) (آن دو گفتند: پروردگارا! به خودمان ظلم نمودیم و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود).

الله Y درباره‌ی نوح v می‌فرماید: {قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (7) (گفت: پروردگارا! به تو پناه می‌برم که از تو چیزی را بخواهم که به آن علمی ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود).

همچنین می‌فرماید: {رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا} (8)

1 - صحیح مسلم 7687. (مترجم)

(2) سورة التحريم، الآية: 6.

(3) سورة الشورى، الآية: 5.

(4) سورة غافر، الآية: 7.

(5) متفق عليه.

(6) سورة الاعراف، الآية: 23.

(7) سورة هود، الآية: 47.

(8) سورة نوح، الآية: 28.

پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنی که وارد خانه‌ی من می‌شود و مؤمنان مرد و زن را بیمارز و برای ظالمان چیزی را نیافزا، مگر هلاکت آنها را).

الله Y درباره‌ی پیامبرش ابراهیم می‌فرماید: {وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ} (1) (و [الله تعالی] کسی است که طمع دارم که خطای مرا در روز قیامت ببامرز).

الله Y درباره‌ی پیامبرش داود می‌فرماید: {فَاسْتَغْفِرْ رَبُّهُ وَحَزَرَ رَاكِعًا وَأَنَابَ} (2) (پس از پروردگارش طلب استغفار نمود و به رکوع افتاد و توبه نمود).

الله Y درباره‌ی پیامبرش سلیمان می‌فرماید: {قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ} (3) (گفت: پروردگارا! مرا بیمارز! و به من پادشاهی بده که شایسته‌ی احدی بعد از من نباشد، همانا تو بسیار بخشنده هستی).

الله Y درباره‌ی پیامبرش موسی می‌فرماید: {قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} (4) (گفت: پروردگارا! به خودم ظلم نمودم، پس مرا بیمارز! در نتیجه او را آمرزید، همانا او بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده است).

این حال پیامبران صلوات الله وسلامه عليهم است، پس وضع ما چگونه است؟ ما در کجای طلب استغفار هستیم؟

استغفار پیامبر

امری که معلوم است این است که پیامبرم بهترین بشر و برترین پیامبران بود، الله او را برگزید و انتخاب نمود و یاد او را رفیع ساخت و منزلت او را بالا بُرد و گناهان قبل و بعدش را آمرزید، ولی با تمامی شرف بزرگ و عطا نمودن زیاد او از پروردگارش طلب آمرزش می‌کرد و به سویی او توبه می‌نمود و برای فرمان برداری از این امر الله Y به سویی وی زاری می‌نمود: {فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا} (5) (پس تسبیح و حمد پروردگارت را انجام بده و از او طلب استغفار کن که او بسیار توبه پذیر است).

همچنین این سخن الله تعالی: {وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوَاكُمْ} (6) (برای گناهت و برای مؤمنان مرد و زن طلب آمرزش کن! و الله گردشگاه و قرارگاهتان را می‌داند).

أغرّ مزنی ۲ آورده است که رسول الله فرمود: «إِنَّهُ لِيُعَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ» (7) (آن اضطرابی بر قلب من است و من در روز صدبار طلب استغفار می‌نمایم).

ابوهریره ۳ آورد است که رسول الله فرمود: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً» (8) (قسم به الله! من هر روز بیشتر از هفتاد بار از الله طلب استغفار می‌کنم و به سویی او توبه می‌نمایم).

أغر بن یسار مزنی ۴ آورده است که رسول الله فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ» (9) (ای مردم به سویی الله توبه نمایید و من در روز صدبار به سویی او توبه می‌نمایم).

ابن عمر رضی الله عنهما گفته است: ما برای رسول الله شمرديم که در یک مجلس صدبار فرمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (10) (پروردگارا مرا بیمارز و توبه‌ی مرا بپذیر! همانا تو بسیار توبه پذیر [و] دائماً رحمت کننده هستی).

ثوبان ۵ گفته است: رسول الله وقتی نمازش تمام می‌شد، سه بار طلب استغفار می‌فرمود (11).

از دعاهای وی این بود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي وَخَطِيئِي وَعَمْدِي وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَحْرَزْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (12) (یا الله! خطای من و جهل مرا و اسرافم در امرم و آن که تو از من به آن آگاه‌تری را بیمارز! یا الله! جَدِّي و غیر جَدِّي من و خطا و عمد مرا و تمامی آنچه نزد من است را بیمارز! یا

(1) سورة الشعراء، الآية: 82.

(2) سورة ص، الآية: 24.

(3) سورة ص، الآية: 35.

(4) سورة القصص، الآية: 16.

(5) سورة النصر، الآية: 3.

(6) سورة محمد، الآية: 19.

(7) رواه مسلم.

(8) رواه البخاري(بخاری).

(9) رواه مسلم.

(10) رواه أبو داود والترمذي وقال حديث حسن صحيح.

(11) رواه مسلم.

(12) متفق عليه از حدیث أبي موسى أشعري و لفظ برای مسلم است.

الله! آنچه در قبل انجام داده‌ام و آنچه در بعد انجام می‌دهم و آنچه پنهان نموده‌ام و آنچه آشکار نموده‌ام و آنچه که تو از من به آن آگاه‌تری را ببامرز! تو قبل از همه بوده‌ای و بعد از همه خواهی بود و تو بر هر چیزی توانایی داری).

میوه‌های و فایده‌های استغفار

برای استغفار میوه‌ها و ثمرات بزرگی وجود دارد

همچنین فایده‌های با ارزشی برای کسی دارد که الله Y به او توفیق داده و استغفار و بازگشت و توبه‌ی به سوی وی را به او الهام نماید
از این ثمرات این موارد می‌باشد:

طلب استغفار استجاب امر الله تعالی است

الله Y بندگانش را به طلب استغفار امر فرموده است و آنان را بر آن تشویق نموده است و برای آن به آنها وعده‌ی آمرزش و ثواب بزرگ و بخشش زیاد داده است، چه کسی از الله تعالی راستگوتر است؟ آیات و آثار زیادی وجود دارد که بر این دلالت می‌کند که الله Y پیامبرش را به آن امر فرموده است و این در حالی است که او باشرف‌ترین مخلوق می‌باشد، الله Y می‌فرماید: {إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ} (1) (وعده‌ی الله حق است و برای گناهت طلب استغفار نما و صبحگاه و صبحگاه، تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور!).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: {فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمْ وَمَتَوَاكُم} (2) (پس بدان که هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود ندارد و برای گناهت و برای مؤمنان مرد و زن طلب آمرزش نما! و الله گردشگاه شما و قرارگاه شما را می‌داند).

همچنین الله Y می‌فرماید: {فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا} (3) (پس تسبیح و حمد پروردگارت را بگو و از او طلب آمرزش نما که او بسیار توبه پذیر است).

همچنین الله Y می‌فرماید: {وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا} (4) (و از الله طلب آمرزش نما که بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده است).

الله Y بندگانش را به استغفار، توبه و بازگشت [به سوی وی] امر می‌نماید و می‌فرماید: {وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (5) (و از الله طلب استغفار نمایید که او بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است).

همچنین الله Y می‌فرماید: {وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ} (6) (و بشتابید به سوی آمرزشی از طرف پروردگارتان و بهشتی که عرض آن به اندازه‌ی آسمانها و زمین است [و] به پرهیزگاران وعده داده شده است).

همچنین الله Y اهل کفر و گمراهی را به استغفار و توبه امر می‌نماید و می‌فرماید: {أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (7) (پس چرا به سوی الله توبه نمی‌نمایند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند، در حالی که الله بسیار آمرزنده-ی دائماً رحمت کننده است).

الله Y خطاب به حاجیان بیت الحرام می‌فرماید: {ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (8) (سپس از جایی بازگردید که مردم باز می‌گردند و از الله طلب استغفار نمایید که الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده می‌باشد).

ابوهریره r آورده است که رسول الله فرمود: «يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَخْرُ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ وَمَنْ يَسْأَلُنِي فَأَعْطِيهِ وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ» (9) (پروردگار ما هر شب وقتی یک سوم آخر آن باقی مانده است، به آسمان دنیا نزول می‌کند و می‌فرماید: چه کسی از من دعا می‌کند، پس او را مستجاب می‌کنم و چه

(1) سورة غافر، الآية: 55.

(2) سورة محمد، الآية: 19.

(3) سورة النصر، الآية: 3.

(4) سورة النساء، الآية: 106.

(5) سورة المزمل، الآية: 20.

(6) سورة آل عمران، الآية: 133.

(7) سورة المائدة، الآية: 74.

(8) سورة البقرة، الآية: 199.

(9) رواه البخاري(بخارایی)، الفتح: 7494/13. مسلم: (758) و لفظ برای اوست.

کسی از من درخواستی دارد، پس به او عطا می‌نمایم و چه کسی از من طلب استغفار می‌نماید، پس او را می‌آمرزم).
 الله Y در حدیث قدسی می‌فرماید: «يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أَبَالِي» (1) (ای فرزند آدم! اگر گناهانت به اطراف آسمان برسد، سپس از من طلب استغفار نمایی، تو را می‌آمرزم و ابایی از آن ندارم).
 ای پروردگار جهانیان! چقدر عظیم هستی تو و چقدر بردبار هستی تو و چه قدر گرامی می‌باشی!

استغفار سبب کسب روزی می‌شود

طلب استغفار از مهمترین و بزرگترین اسباب کسب روزی است، الله Y درباره‌ی نوح N می‌فرماید: {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (2) (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیاپی می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌دهد).

درباره‌ی پیامبرش هود H می‌فرماید: {وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} (3) (و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید! سپس بسوی او توبه نمایید [در نتیجه-ی آن] بر شما از آسمان پیاپی باران می‌باراند و قوتی بر قوت شما می‌افزاید و مجرمانه روی بر نگردانید).

در این آیات الله Y اموری را به طلب استغفار مرتب می‌سازد که بدین شرح است:

1) بارانیدن باران به صورت پیاپی، قال ابن عباس رضي الله عنهما درباره‌ی {مدراراً} گفته است: منظور پیاپی می‌باشد.

2) باغها و بستانهای سر سبز.

3) نهرهایی که آب گوارا در آن جریان دارد.

قرطبی رحمه الله گفته است: «در این آیات دلیلی وجود دارد که بر اثر طلب استغفار، روزی و باران نازل می‌شود» و حافظ ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش آورد است: «به این معنا است که اگر به سوی الله [تعالی] توبه نمایید و از او طلب آمرزش نمایید، روزی بسیار به شما عطا می‌کند و شما را از برکات آسمان می‌نوشاند و برای شما برکات زمین را خارج می‌گرداند و برای شما زراعت می‌رویاند و شیر [چهارپایان] را برای شما زیاد می‌کند و برای شما باغهایی قرار می‌دهد که در آن انواع میوه‌ها وجود دارد و در خلال آنها نهرها را جاری می‌نماید».

امیر المؤمنین عمر C به این آیات در طلب باران از پروردگارش Y تمسک جست ، مطرف از شعبی روایت کرده است که عمر C برای طلب آب خارج شد و همچنان طلب استغفار خود را زیاد نمود تا این که بازگشت، به او گفته شد: از تو نشنیدیم که طلب باران نمایی. گفت: باران را از محل بارش آن از آسمان طلب نمودم، سپس قرائت نمود: {وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا} (و از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید که او بسیار آمرزنده است * از آسمان پیاپی بر شما باران می‌باراند) (4).

همچنین الله Y در کتاب گرامی‌اش می‌فرماید: {وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى} (5) (و این که از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، سپس به سوی او توبه نمایید، [در نتیجه] شما را از کالایی نیکو تا زمانی معین بهره‌مند می‌سازد).

در این آیه‌ی گرامی، الله تعالی وعده داده است که کسی که طلب استغفار نماید و توبه نماید را با کالایی نیکو، بهره‌مند می‌سازد و منظور از این سخن: {يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا} همان گونه که ابن عباس رضي الله عنهما گفته است، این معنا می‌باشد: روزی و گشایش شما را برتری می‌دهد (6).

قرطبی رحمه الله گفته است: «این ثمره‌ی استغفار و توبه است و آن این است که با منافی از گشایش رزق و خوشایند شدن زندگی، شما را بهره‌مند می‌سازد».

در حدیثی از وی آمده است: «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هِمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (7) (کسی که زیاد طلب استغفار نماید، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد).

(1) رواه الترمذی من حیث أنس وقال حدیث حسن صحیح.

(2) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(3) سورة هود، الآية: 52.

(4) نگاه شود به المعاني: 27/29.

(5) سورة هود، الآية: 3.

(6) نگاه شود به زاد المسیر: 75/4.

(7) رواه أحمد في المسند واللفظ له وابن ماجه والحاكم في المستدرک وصحیح إسناده وصححه الشيخ أحمد شاکر (هامش المسند: 55/4).

در این حدیث راستگویی تصدیق شده، سه ثمره را برای زیاد بودن استغفار بیان فرموده است؛ یکی از آنها روزی از طرف الله تعالی که روزی دهنده و دارای قدرت و بسیار قوی است، می‌باشد و آن از جایی می‌رسد که بنده پنداری برای آن ندارد و از آن راه امید نداشته و به فکرش خطور نمی‌کند؛ پس بر کسانی که رغبت به روزی و زیاد بودن آن و برکت آن را دارند واجب است که بسیار با سخن و عملشان طلب استغفار نمایند، ولی از انجام استغفار با زبان و بدون عمل برحذر باشند که آن عمل دروغگویان است.

استغفار سبب وارد شدن به بهشت می‌شود

مصدق این امر این سخن پیامبر است که اوس بن شداد آن را آورده است: «سَيَدْ الْإِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوؤُكَ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوؤُكَ لَكَ بِدُنْيِي فَأَعْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَعْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (سید استغفار این است که بگویی: یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز تو وجود ندارد، مرا خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و من تا آنجا که بتوانم، بر عهد تو و وعده‌ی تو هستم، به تو پناه می‌برم از شر آنچه انجام داده‌ام، به نعمتی که من داده‌ای اقرار می‌کنم و به گناهم اقرار می‌کنم، در نتیجه مرا ببامرز، همانا گناهان را کسی نمی‌آمرزد، مگر تو) و فرمود: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمَسِّيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (کسی که آن را با یقین در روز بگوید و در آن روز بمیرد قبل از آن که شب شود او از اهل بهشت خواهد بود و کسی که آنرا با یقین در شام بگوید و قبل از آن که صبح برسد، بمیرد، او از اهل بهشت خواهد بود)⁽¹⁾.

استغفار سبب بخشیده شدن گناهان و محو شدن خطاها می‌شود

قتاده رحمه الله گفته است: «قرآن شما را به بیماری‌تان و داروینان راهنمایی می‌کند، اما بیماری شما گناهان شما هستند و داروی شما طلب استغفار است» و آن چیزی است که باعث بخشیده شدن گناهان و محو شدن خطاها و پاک شدن بدی‌ها می‌شود.

الله می‌فرماید: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَعْفِرْ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ} (2) (و [پرهیزگاران] کسانی هستند که وقتی عمل زشتی را مرتکب می‌شوند یا به خودشان ظلم می‌کنند، الله را یاد نموده و در پس آن برای گناهانشان طلب استغفار می‌کنند و چه کسی به غیر از الله گناهان را می‌بخشد؟ و با علم و آگاهی بر [انجام آن گناهان] اصرار ندارند).

عبد الله بن مسعود گفته است: در کتاب الله دو آیه است که بنده‌ای که آنان را بخواند و از الله طلب استغفار نماید، [اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که الله تعالی او را می‌آمرزد، سپس آیه‌ی قبل را ذکر نمود و از آیاتی که دلالت بر بخشش الله و گرامی داشتن به بخشش گناهان و پاک شدن بدی‌ها می‌باشد، این سخن الله است که می‌فرماید: {وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا} (3) (و کسی که عمل بدی را انجام دهد یا به خودش ظلم کند، سپس از الله طلب آمرزش نماید، الله را بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده می‌یابد).

علی گفته است: مردی بودم که هر چه را از رسول الله می‌شنیدم تا آنجا که الله می‌خواست از آن بهره‌مند می‌شدم و اگر کسی از صحابه حدیثی را به من می‌گفت، از او طلب می‌نمودم تا قسم بخورد. وقتی قسم می‌خورد او را تصدیق می‌کردم، ابوبکر برای من حدیثی گفت و راست گفت ابوبکر که شنیده بود که رسول الله می‌فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ» (بنده‌ای نیست که گناهی مرتکب شود و به نیکی طهارت نماید، سپس بایستد و دو رکعت نماز بخواند، سپس از الله طلب استغفار کند [اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که الله او را می‌آمرزد)، سپس این آیه را تلاوت نمود: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَعْفِرْ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ} (4) (و [پرهیزگاران] کسانی هستند که وقتی عمل زشتی را مرتکب می‌شوند یا به خودشان ظلم می‌کنند، الله را یاد نموده و در پس آن برای گناهانشان طلب استغفار می‌کنند و چه کسی به غیر از الله گناهان را می‌بخشد؟ و با علم و آگاهی بر [انجام آن گناهان] اصرار ندارند)⁽⁵⁾.

انس آورده است که رسول الله فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَىٰ

(1) رواه البخاري(بخارایی).

(2) سورة آل عمران، الآية: 135.

(3) سورة النساء، الآية: 110.

(4) سورة آل عمران، الآية: 135.

(5) أخرجه أصحاب السنن وحسنه الترمذي.

مَا كَانَ فِيكَ وَلَا أَبَالِي يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَ لِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أَبَالِي» (1) (الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ای فرزند آدم! تا زمانی که مرا به دعای می‌خوانی و به من امید داری تو را می‌آمرزم، بر هر چه که باشی و از آن ابایی ندارم. ای فرزند آدم! اگر گناهانت به اطراف آسمان برسد، سپس از من طلب آمرزش نمایی، تو را می‌آمرزم و ابایی [از آن] ندارم)... نگرسته شود به بخشش و کرامت و کرم الله تعالی.

ابوهریره رض آورده است که رسول الله ص فرمود: «إِذَا أَدْنَبَ عَبْدٌ ذَنْبًا فَقَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي؛ فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدْنَبَ عَبْدِي ذَنْبًا فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ وَأَعْمَلَ مَا شِئْتَ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكَ» (2) (وقتی بنده مرتکب گناهی می‌شود و می‌گوید: یا الله! گناه مرا ببامرز! [الله] تبارک و تعالی می‌فرماید: بنده‌ی من مرتکب گناهی شد و دانست برای او پروردگاری است که گناه را می‌آمرزد و گناه را می‌گیرد و [می‌فرماید: ای بنده‌ی من] هر کاری می‌خواهی بکن همانا گناه تو آمرزیده شد).

در اثر از ابلیس لعنه الله آمده است که او به پروردگار عزت وقتی او را لعنت فرمود، گفت: «ای پروردگار! بنی‌آدم را به شر و ادا می‌کنم مادامی که روح‌های آنها در بدن‌های آنان است» الله ع فرمود: «قسم به عزت و بزرگی‌ام آنها را خواهم آمرزید مادامی که از من طلب آمرزش نمایند».

حذیفه بن یمان رض گفته است: با زبانم به اهل نیش می‌زدم و گفتم: ای رسول الله! می‌ترسم زبانم مرا وارد آتش جهنم نماید، پیامبر ص فرمود: «فَأَيْنَ أَنْتَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةً» (پس برای استغفار چه کاری انجام می‌دهی؟ من روزی صدبار از الله طلب آمرزش می‌نمایم) (3).

ابوسعید رض آورده است که رسول الله ص فرمود: «من قال حين يأوي إلى فراشه استغفر الله العظيم الذي لا إله إلا هو الحي القيوم، وأتوب إليه ثلاث مرات غفر الله له ذنوبه، وإن كانت مثل زبد البحر أو عدد رمل عالج، أو عدد أوراق الشجر، أو عدد أيام الدنيا» (4) (کسی که هنگامی که به رختخوابش می‌رود سه مرتبه بگوید: «از الله بزرگ طلب آمرزش می‌نمایم، همان کسی که هیچ پرسنش شونده‌ی بر حقی جز او وجود ندارد و او زنده و برپا و برپا دارنده است و به سوی او توبه می‌نمایم» الله گناهان او را می‌آمرزد حتی اگر به اندازه‌ی کف دریا یا شن‌های شنزار یا برگ‌های درختان یا تعداد روزهای دنیا باشد).

در روایت زید آمده است: «غفرت ذنوبه وإن كان فاراً من الزحف» (5) (گناهانش آمرزیده می‌شود حتی اگر از صحنه‌ی جنگ فرار کرده باشد).

استغفار مجازات و عذاب را قبل از واقع شدن آنها دفع می‌کند

قانونی که وجود دارد با این عنوان که پیشگیری بهتر از علاج است، حسن بصری رحمه الله گفته است: «ای فرزند آدم! ترک گناه از طرف تو راحت‌تر از توبه است». از ثمرات استغفار این است که الله ع آن را سببی برای دفع عذاب و مجازات قبل از واقع شدن آنها قرار داده است، مصداق این سخن این کلام الله ع است: {وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} (6) (و الله آنها را عذاب نمی‌کند مادامی که تو در بین آنها هستی و الله عذاب کننده‌ی آنان نخواهد بود در حالی که آنها طلب استغفار نمایند).

أبو موسیٰ أشعري رض گفته است: «دو امان از عذاب برای ما وجود داشت، یکی از آنان رفت که همان وجود رسول ص بین ما بود و [دیگری] استغفار است که با ما باقی مانده است و اگر برود، هلاک می‌شویم»... در نتیجه استغفار امانی از طرف الله تعالی برای بندگان است.

استغفار سبب بالا رفتن درجات بعد از مرگ می‌شود

استغفار همان گونه که در دنیا سود می‌رساند باعث بالا رفتن درجات در بهشت می‌شود، ابوهریره رض آورده است که رسول الله ص فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ الدَّرَجَةَ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَتَى لِي هَذِهِ فَيَقُولُ بِاسْتِغْفَارِ وَادِّكَ لَكَ» (7) (الله ع درجه‌ی بنده‌ی صالحی را در بهشت بالا می‌برد و او می‌گوید: ای پروردگار! این از کجا آمده است؟ می‌فرماید: با استغفار فرزندت برای تو).

(1) رواه الترمذي وقال حديث حسن.

(2) متفق عليه من حديث أبي هريرة.

(3) أخرجه النسائي في عمل اليوم والليلة وابن ماجه والحاكم وقال صحيح على شرط الشيخين.

(4) أخرجه الترمذي ورواه البخاري في التاريخ بلفظ آخر.

(5) أخرجه أبو داود من الترمذي من حديث زيد ورواه الحاكم وقال صحيح على شرط الشيخين.

(6) سورة الأنفال، الآية: 33.

(7) رواه أحمد بأسناد حسن.

در حدیث دلیلی وجود دارد که الله تعالی با ولد صالح به پدر و مادرش در دنیا و آخرت منفعت می‌رساند، مصداق آن این سخن پیامبر است که می‌فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْفَطَحَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ وَعِلْمٌ يُنْفَعُ بِهِ وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ»⁽¹⁾ (وقتی انسان می‌میرد، عمل او قطع می‌گردد، مگر در سه چیز: صدقه‌ای که جاری می‌باشد و علمی که از آن سود برده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند).

استغفار سبب پاک شدن قلبها می‌شود

ابوهریره رض آورده است که رسول الله ص فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَدْنَبَ دَنَبًا كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءَ فِي قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَتَزَعَّ وَاسْتَعْفَرَ صُفْلًا مِنْهَا قَلْبُهُ فَإِنْ عَادَ رَأَتْ حَتَّى يُعْلَقَ بِهَا قَلْبُهُ فِدَاكَ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ}»⁽²⁾ (مؤمن وقتی گناهی مرتکب می‌شود، نقطه‌ی سیاهی در قلبش می‌گذارد و اگر توبه نماید و عوض شود و طلب استغفار نماید، قلبش از آن صیقل پیدا می‌کند و اگر باز گردد، بر او پیشی گرفته تا این که قلبش توسط آن بسته می‌شود و این همان است که الله Y در کتابش ذکر می‌فرماید (این طور نیست چه بسا بر قلب آنها پیشی گرفته است آنچه را که کسب کرده‌اند))³.

در نتیجه استغفار سببی برای پاکي قلب، نظافت آن، صیقل یافتنش و پاک شدنش از گناهان و نافرمانی‌ها و سیاهی‌ها و راهی برای از بین رفتن پیشی گرفتن گناهان بر آن است.

استغفار سبب زیاد شدن فرزندان می‌شود

این بشارتی است برای هر انسانی که آرزوی فرزند صالح دارد و دلیل آن سخن الله Y است که می‌فرماید: {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (4) (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیای می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌دهد).

در این آیه‌ی گرامی تعدادی از ثمرات استغفار بیان شده است:

- 1) آمرزیده شدن گناهان.
- 2) نازل شدن باران و خارج شدن رزق.
- 3) زیاد کردن اموال و فرزندان توسط الله تعالی.
- 4) قرار گرفتن باغها و نهرها.

عطاء درباره‌ی این سخن الله تعالی گفته است: {وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ} به معنای آن است که اموال و فرزندان را زیاد می‌کند.

ابن کثیر رحمه الله گفته است: «به این معناست که به شما مال و فرزند می‌دهد و در حدیث آمده است: «وَيُرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (و او را از جایی که فکرتش را نمی‌کند، روزی می‌دهد) و فرزندان رزقی از طرف الله Y هستند.

استغفار سبب سلامتی و قدرت می‌شود

از آثار استغفار این است که الله تعالی به بنده در سلامتی و عافیت او برکت می‌دهد و نشاط و زندگانی او را زیاد می‌فرماید. مصداق این سخن الله Y است که از زبان پیامبرش ص می‌فرماید: {وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} (5) (و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید! سپس بسوی او توبه نمایید [در نتیجه‌ی آن] بر شما از آسمان پیای باران می‌باراند و قوتی بر قوت شما می‌افزاید و مجرمانه روی بر نگردانید).

در نتیجه سخن الله Y: {وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ} (و قوتی بر قوت شما می‌افزاید) دلیلی بر این است که استغفار سبب زیاد شدن قوت و سلامتی می‌شود. همچنین این سخن الله Y در جایی دیگر است که می‌فرماید: {وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا

(1) رواه مسلم.

(2) سورة المطففين، الآية: 14.

(3) - شعب الايمان امام بيهقي 7203. (مترجم)

(4) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(5) سورة هود، الآية: 52.

إِلَيْهِ يُمَتِّعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ} (1) (و این که از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، سپس به سوي او توبه نمایید [در نتیجه] تا زمانی معین شما را از کالایي نیکو بهره‌مند می‌سازد و به هر صاحب فضلي، فضل و احسانش را می‌دهد و اگر روی برگردانید برای شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم).

سخن الله Y: {يُمَتِّعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا} (شما را از کالایي نیکو بهره‌مند می‌سازد) دلیلي بر این است که استغفار سبب بهره‌مندی بنده می‌گردد و حالتهای این بهره‌مندی شامل سلامتی، عافیت و قوت است.

بشارت برای زنان

ابن عمر رضي الله عنهما آورده است که پیامبرم فرمود: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَأَكْثِرْنَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنِّي رَأَيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ» (ای زنان صدقه بدهید و زیاد طلب استغفار نمایید زیرا من شما را دیدم که بیشترین افراد اهل آتش جهنم بودید)، زنی از آن زنها گفت: چرا ما بیشترین افراد اهل آتش هستیم؟ فرمود: «تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ وَتُكْفِرْنَ الْعَشِيرَ مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَدِينٍ أَغْلَبَ لِذِي لُبِّ مِنْكُمْ» (زیاد بودن لعن کردن و ناشکری از شوهران [دلیل آن است]. ناقصان عقل و دین به مانند شما ندیده‌ام که بر [مرد] صاحب خردی غلبه پیدا کند) گفت: چرا نقصان در عقل و دین وجود دارد؟ فرمود: «أَمَّا نُقْصَانُ الْعَقْلِ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ تَعْدِلُ شَهَادَةَ رَجُلٍ فَهَذَا مِنْ نُقْصَانِ الْعَقْلِ وَتَمَكُّثُ اللَّيَالِي مَا تُصَلِّي وَتُفْطِرُ فِي رَمَضَانَ فَهَذَا مِنْ نُقْصَانِ الدِّينِ» (2) (اما نقصان عقل، گواهی دادن دو زن معادل گواهی دادن یک مرد است و این از نقصان عقل است و شبهایی را نماز نمی‌خوانند و در رمضان [در بعضی از ایام] روزه نمی‌گیرند و این از نقصان دین است).³

سخنش p: «وَأَكْثِرْنَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ» (زیاد طلب استغفار نمایید) دلیلي بر این است که استغفار سبب نجات زن از آنچه در رفتار بد با شوهرش انجام می‌دهد یا در حق شوهرش مرتکب و خطا و کوتاهی می‌شود، می‌باشد. همچنین در آن دلیلي بر این است که استغفار سبب نجات از آتش جهنم در روز قیامت می‌شود.

بر شماس است ای خواهر مسلمانم که استغفار نمایی تا به امر پیامبرم عمل کرده باشی و در دنیا و آخرت از رستگاران باشی.

بیان مواردی از ماجراهای استغفار

حسن بصري و استغفار

إمام قرطبي از ابن صبيح آورده است: «مردی نزد حسن از خشکسالی شکایت کرد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! دیگری از فقر نزد او شکایت کرد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! دیگری نزد او از خشک شدن باغش شکایت کرد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! ربیع بن صبیح به او گفت: مردانی آمدند و از انواع امور نزد تو شکایت کردند و تو به تمامی آنها امر کردی که استغفار نمایند! او گفت: از نزد خود چیزی نگفتم! الله Y در سوره‌ی نوح می‌فرماید: {قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (4) (گفتم) از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیایی می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌دهد).

مردی به حسن بصري گفت: آیا شخصی از ما برای این از پروردگارش خجالت بکشد که گناهی را انجام دهد و بعد از آن استغفار نماید و دوباره آن گناه را بار دیگری انجام دهد و در پس آن استغفار کند و به این ترتیب کار خود را ادامه دهد.

حسن به او گفت: شیطان می‌خواهد توسط آن بر شما پیروز گردد، هرگز استغفار را ترک نکنید.

صدقه و استغفار درمان ناباروری است

الله Y در کتاب گرامی‌اش می‌فرماید: {لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِمَّا نًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ

(1) سورة هود، الآية: 3.

(2) رواه مسلم.

³ - البته معیار برای بزرگی انسان تقوا است و زنی که دارای تقوای بیشتری نسبت به مردان باشد، مطمئناً دارای درجات بالاتری نزد الله تعالی می‌باشد. (مرجم)

(4) سورة نوح، الآيات: 10-12.

الذُّكُورَ * أَوْ يُزَوِّجَهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ} (1) (پادشاهی آسمانها و زمین برای الله است. هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر می‌دهد و به هر کس بخواهد پسر می‌دهد * و یا آن که هم پسر و هم دختر به آنها می‌بخشد و هر که را بخواهد، عقیم قرار می‌دهد، او بسیار آگاه بسیار توانا است).

این حکمت الله Y در مخلوقاتش است و بر مؤمن واجب است که به دنبال اسباب برود و به الله Y اعتماد کند و صدقه و استغفار چیزهایی هستند که توسط آنها شفا به اذن الله تعالی حاصل می‌شود. بر شماست برادر این ماجرای که در کتابهای حدیث وارد شده است:

امام أبوحنیفه رحمه الله در مسندش از جابر بن عبد الله رضي الله عنهما آورده است: مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول الله! هرگز فرزندی به من روزی داده نشده است و فرزندی ندارم، رسول الله فرمود: «فأین أنت من كثرة الاستغفار وكثرة الصدقة ترزق بهما» (پس زیاد بودن طلب استغفار و زیاد دادن صدقه‌ی تو کجا رفته است؟ تا توسط آنها روزی داده شوی)، آن مرد صدقه دادن و استغفار خود را زیاد کرد... جابر گفت: برای آن مرد نه پسر زاییده شد(2).

شیخ عائض قرنی حفظه الله در بعضی از محاضراتش گفته است: از ریزمکاری‌ها این است که در زمان معاصر ما بعضی عقیم بوده‌اند و فرزندی برای آنها زاده نشده است، پزشکان از درمان آن شخص عاجز مانده‌اند و داروهای زیادی را برای آنها استفاده کرده‌اند، بعد از آن از یکی از علماء سوال کرده است و آن عالم گفته است: بر توست که طلب استغفارت را در صبح و شام زیاد کنی، زیرا الله تعالی درباره‌ی استغفار کنندگان می‌فرماید: {وَيُؤْتِكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ} (3) (و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌فرماید) آن مرد طلب استغفار خود را زیاد کرده است و به آن دوام داده است و الله تعالی فرزندی صالح به او داده است.

استغفار و برکت رزق و روزی

یکی از برادران به بازار رفت تا کالایی را که داشت، بفروشد. بازار بسیار پُر از فروشندگان و خریداران بود. در مکانی که برای فروش وجود داشت نشست و کالایش را عرضه نمود. در آنجا نشست و مدت زیادی گذشت و مردم از کالای او استقبال نکردند. مردم می‌آمدند و به کالای او نگاه می‌کردند، سپس می‌رفتند. نیاز شدیدی به مال داشت و گریزی برای وی وجود نداشت که کالایش را باید می‌فروخت و تمام وقت او گذشت. زمان زیادی سپری شد و کسی کالای او را نخواست. حال برایش تنگ شد و شروع به فکر کردن نمود که چه کار کند؟ ناگهان حدیثی به فکرش رسید که آن را از امام مسجد شنیده بود. او می‌گفت که رسول الله فرموده است: «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هِمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (کسی که زیاد طلب استغفار نماید، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد)، زبان و قلبش را به آن اختصاص داد و شروع به استغفار نمود، می‌گفت: قسم به الله! اگر استغفار را شروع کنم، مردم به سویی من می‌آیند. شخصی کالای او را خواست و دیگری با خواست خودش تا قیمت زیاد باشد و دیگری بر خرید خود افزود تا آن که راحت شد و کالای خود را فروخت و الله را شکر و ستایش نمود. پولها را گرفت و به خانه‌اش بازگشت و این در حالی بود که چشمانش پُر از اشک شده بود، زیرا او در حق این گنج بزرگ «استغفار کردن» کوتاهی نموده بود، الحمد لله رب العالمین.

آرامش یافتن زن به سبب استغفار شوهرش

مردی ماجرایش را بیان داشت و گفت: روزی از روزها به خانه‌ی خودم برگشتم و آن بعد از روزی بود که خسته و کوفته بودم؛ درب را باز کردم و ناگهان همسرم را دیدم که به من نگاه می‌کرد و در او علامتهای عصبانیت و انفعال وجود داشت. مبادرت به سوال نمودن از من کرد و من خودم را از روی عصبانیت و انفعال نتوانستم کنترل کنم. در آخر شب بود، تا صبح مشغول بحث و جدل و عصبانیت شدم. در آخر زخم گفت که خانه را ترک می‌کند و به خانه‌ی پدرش می‌رود، سعی کردم که او را منصرف کنم، ولی نتوانستم پیروز شوم، به اتاقتان رفت و شروع به جمع کردن ساکش نمود تا برود. از خانه خارج شدم و نمی‌دانستم به کجا می‌روم؟ و این از روی شدت عصبانیت و انفعال من بود. در کنار خانه‌ام مسجدی بود و اذان صبح نزدیک می‌بود. داخل مسجد شدم و وضو گرفتم و دو رکعت نماز خواندم، سپس اذان صبح گفته شد و نماز صبح را به جماعت خواندم. سپس در مسجد ماندم و شروع به طلب استغفار از الله Y شدم. این حالت حدود یک ساعت طول کشید، سپس ایستادم تا به خانه بروم. درب [خانه] را باز نمودم و در آن هنگام بود که همسرم نشسته بود و به من نگاه می‌کرد. بر صورتش لبخند زیبایی بود. به او سلام کردم و به او گفتم: چه شد که از

(1) سورة الثوری، الآيات: 50، 49.

(2) نگاه شود مسند ابو حنیفه، شرح ملا علی القاری.

(3) سورة نوح، الآية: 12.

رفتن منصرف شدی؟ گفت: من از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم... به خودم گفتم: امری غیر عادی است؟ چه اتفاقی افتاده است؟ سپس از او درباره‌ی اسرار این تغییر سوال نمودم. گفت: قسم به الله نمی‌دانم... ولی مدت یک ساعت است که آرامش یافته‌ام و فهمیدم که من خطاکار هستم و الله [تعالی] مرا هدایت فرمود. به یاد آوردم که آن زمانی بود که نشسته بودم و در آن طلب استغفار می‌نمودم و این سخن پیامبر را به یاد آوردم: «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (کسی که زیاد طلب استغفار نماید، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد)، راست گفت: رسول الله، {وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ} (1) (او از روی هوی سخن نمی‌گوید * آن فقط وحی است که بر وی وحی شده است).

چه کسی راستگوتر از الله تعالی است؟

در شبی از شبهای تشریق در ایام حج، نزدیک کعبه شروع به بیان نمودن استغفار و توجه به معنا و فضیلت و اثر آن نمودم. در سخن من راهنمایی، منطق و عقل وجود داشت، وقتی سخنان کوتاه من تمام شد و آن عادت من بود، یکی از حاضران خواست تا با من تنها صحبت کند و من آن را قبول نمودم و او شروع به بیان ماجرایش درباره‌ی استغفار نمود. ابویوسف: من به شکر الله تعالی از دواج کرده‌ام. ولی بچه‌دار شدن همسرم طول کشید و شروع به تهیه اسباب [برای آن شدم]، چیزی از پزشکی نشنیدم، مگر آن که آن را انجام دادم. سپس به خارج سفر نمودم تا درمان صورت گیرد. تمامی آنها گفتند: «برای تو و همسرت سلامتی حاصل نمی‌شود»، پس به کویت بازگشتم در حالی که به امید الله تعالی بودم {وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} (و الله بر هر چیزی تواناست).

گفتم: بگو ای ابویوسف! تمامی من گوشی است که به سخنان تو محتاج است.

ابویوسف: در روزی از روزها، وقتی به رادیوی القرآن الکریم گوش می‌کردم، آیه‌ای را شنیدم که تو ای شیخ در سخنان آن را از سوره‌ی نوح می‌گفتی... {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبِينْ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاطٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (2) (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیایی می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌دهد).

شیخ آیه را شرح داد و بیان نمود که استغفار وسیله‌ای برای فرزنددار شدن است. سخنان را شنیدم و وقتی به منزل بازگشتم، آنچه را که شنیده بودم برای همسرم بیان نمودم. تصمیم گرفتیم تا برای درمان یافتن شروع به استغفار، در شب و روز، و آشکار و نهان، نماییم. آیا می‌دانی شیخ چه گفت؟

همسرم یک ماه استغفار نمود و ما - شکر الله تعالی - صاحب یوسف شدیم.

گفتم: آنچه الله تعالی خواسته است. الله تعالی راست گفته است و او بهترین راستگویان است: {إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ} (3) (الله خُلف وعده نمی‌نماید). {وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا} (4) (و چه کسی از الله در سخن راستگوتر است؟). {وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا} (5) (و چه کسی در سخن گفتن از الله راستگوتر است؟).

ابویوسف: ای شیخ ماجرای من به پایان نرسیده است.

گفتم: بعد از آن چه شد؟

ابویوسف: وقتی نفاس همسرم تمام شد، به او گفتم: ای مادر یوسف برای فرزند بعدی طلب استغفار کن! به مانند دفعه‌ی اول یک ماه طلب استغفار نمود و بچه دوم - شکر الله تعالی - به دنیا آمد. وقتی نفاس او تمام شد، گفتم: ای مادر یوسف! طلب استغفار کند زیرا سومی را می‌خواهیم. طلب استغفار نمودم و - شکر الله تعالی - سومی آمد. وقتی نفاس همسرم تمام شد، گفتم: ای ابو یوسف از استغفار نمودن به نیت فرزندان خودداری کن! تا این که کودکان بزرگ شوند و بعد از آن، برای نفر چهارم به اذن الله تعالی طلب استغفار می‌نمایم.

گفتم: الله به تو به آنچه به تو روزی داده است و به کودکانت که به طور خاص نور چشم تو هستند، برکت عطا فرماید! تو یکی از نشانه‌های الله تعالی را در خودت و در همسرت و در فرزندت دیده‌ای.

ابو یوسف: آمین؛ ولی ای شیخ ماجرای من تمام نشد و آن ادامه دارد!

گفتم: سخن گفتنت تمام نشد! کامل کن ای ابویوسف!

ابویوسف: بعد از آن فرزندانم بزرگ شدند، به ام یوسف گفتم ما سه فرزند داریم و به الله تعالی امید داریم که دختری

(1) سورة النجم، الآيات: 4،3.

(2) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(3) سورة الرعد، الآية: 31.

(4) سورة النساء، الآية: 122.

(5) سورة النساء، الآية: 87.

زیبا به ما بدهد، ای ام یوسف! طلب استغفار کن در حالی که به دختری امید داری.
گفتم: الله به تو دختری عطا فرماید، همان گونه که پسرانی را به تو عطا فرمود، ای برادر گرامی!
ابو یوسف: بشارت بده ای شیخ من حالا برای حج آمده‌ام و همسرم در نفاس بعد از به دنیا آمدن دختر جدید می‌باشد.
ماجرای ابو یوسف تمام شد.
به طور خلاصه در این ماجرا داشتیم:

- (1) استغفار و اثر آن.
- (2) استغفار بر اساس نیت استغفار کننده می‌باشد. برای مال طلب استغفار نماید یا برای زیاد شدن فرزندان یا نجات یافتن و توبه. و اثر آن به اذن الله تعالی در استغفار کننده ظاهر می‌شود.
- (3) استغفار نیاز به نیت صادقانه و اخلاص برای الله تعالی دارد. معنای آن درک شود و هدف آن فهمیده شود، زیرا بر اساس نیت آن، بر زندگی ما اثر می‌گذارد.
- (4) الله تعالی خلف وعده نمی‌نماید و اگر اثر صورت پذیرفت باید بدانیم که امری سبب آن شده است.
- (5) استغفار مانند دعا می‌باشد، گاهی آنچه را که برای آن دعا نموده‌ایم [در دنیا] بدست می‌آوریم و گاهی [در دنیا] چیزی نصیب ما می‌شود که طلب نموده‌ایم و در ازای آن به سبب استغفار از اتفاق بدی که قرار است برای ما بیافتد، جلوگیری می‌شود و گاهی [وقتی مستجاب نمی‌شود] الله تعالی آن را برای ما ذخیره می‌فرماید تا به جای آن در آخرت به ما پاداش دو چندان در اعلی مرتبت بدهد⁽¹⁾.

نانوا و استغفار (2)

این ماجرا در زمان امام أحمد بن حنبل رحمه الله به وقوع پیوست. امام احمد خواست تا شب را در مسجد سپری کند، ولی به علت جلوگیری نگهبان مسجد از آن از شب نشینی در مسجد منع شد. امام سعی نمود ولی موفق نشد. امام به او گفت: در جای پای خود خواهم خوابید و امام أحمد بن حنبل در محل پاهایش خوابید. نگهبان مسجد او را مجبور نمود تا از مسجد خارج شود. امام احمد شیخی باوقار بود و در او آثار صلاح و تقوا وجود داشت. نانوائی او را دید و وقتی حالت او را این گونه یافت، از او خواست تا شب نشینی کند. امام أحمد بن حنبل همراه نانوا رفت. نانوا سعی نمود تا خمیری برای نان درست کردن آماده کند. امام أحمد بن حنبل از نانوا شنید که طلب استغفار می‌نمود و مدت زیادی گذشت و زمان زیادی طول کشید و او در این حالت باقی ماند. امام أحمد بن حنبل تعجب نمود. وقتی صبح شد امام احمد از نانوا درباره‌ی طلب استغفار وی در شب سوال نمود. نانوا جواب داد: زمان درست کردن خمیر طول می‌کشید و او [در آن زمان] طلب استغفار می‌نماید.

امام أحمد از او سوال نمود: آیا در استغفار ثمره‌ای دیده‌ای؟ امام أحمد از نانوا این سوال را پرسید و این در حالی است که او ثمرات استغفار را می‌دانست و همچنین از فضیلت استغفار و فایده‌های آن آگاه بود.
نانوا گفت: بله، قسم به الله! دعایی نمی‌کنم مگر آن که مستجاب می‌شود، مگر یک دعا.
امام أحمد گفت: و آن چیست؟
نانوا گفت: دیدن امام أحمد بن حنبل!
امام أحمد گفت: من أحمد بن حنبل هستم، قسم به الله از تو استفاده‌ی زیاد نمودم!

استغفار و زلزله (3)

در زلزله‌ی معروف پاکستان که در آن تعداد مصیبت زده‌ها به هزاران نفر می‌رسید، عنایت الله Y بر این قرار گرفت تا این مرد را از مرگ حتمی نجات دهد.
وقتی زلزله اتفاق افتاد، او در خانه‌اش بود و غذایش را می‌خورد، سپس به محل خوابش رفت تا در آن استراحت کند. وقتی او در رختخوابش بود زلزله‌ی ویران کننده، صورت گرفت، اتاق به شدت شروع به ویرانی نمود، و بلکه تمامی خانه سقف در بالای سرش شکافت یافت و او در حالتی بسیار ترسان به آن نگاه می‌کرد و نمی‌توانست از جایش تکان بخورد. پایه‌های اتاق در جلوی چشم او، شروع به ریختن نمود. او کاری ننمود و فقط شروع به استغفار نمود و می‌گفت: استغفر الله.. استغفر الله.. دائم آن را تکرار می‌نمود. سقف شروع به ریختن کرد. تمامی این اتفاقات در مدت بسیار کوتاهی بود که به اندازه‌ی چند دقیقه طول کشید و خواست الله Y برای این مرد این گونه بود که نجات یابد. او

(1) این ماجرا را شیخ/ خالد السلطان، بیان داشته است.

(2) این ماجرا را استاد/ عمرو خالد بیان داشته است.

(3) این ماجرا را ا.د/ مبشر کرال الاستشاری در بیمارستان الحرس الوطني برایم بیان داشت.

درباره‌ی خودش می‌گفت: در واقع سقف از قسمت ضخیم بتون آرمه شروع به ریختن نمود، ولی - شکر الله تعالی - اجزای آن بر تمام نقاط اتاق ریخت، مگر جایی که من در آنجا بودم، در نتیجه ایستادم و به سرعت خارج شدم و الله Y را شکر نمودم.

گفتم: رسول الله صادقانه فرموده است: «مَنْ لَزِمَ مِنَ الْإِسْتِعْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»¹ (کسی که به طلب استغفار دوام دهد، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد).

¹ - سنن ابوداود 1520؛ سنن ابن ماجه 3819. (مترجم)

مهمترین مراجع

- (1) القرآن الکریم.
- (2) تفسیر ابن کثیر.
- (3) تفسیر القرطبی.
- (4) مفاتیح الرزق: د. فضل إلهی. [این کتاب توسط انتشارات زانکو در دست چاپ می باشد].
- (5) إحياء علوم الدين، أبو حامد الغزالي.
- (6) خطب المنابر، الشيخ الفوزان.
- (7) رياض الصالحين، النووي.
- (8) مواقع إسلامية الشيخ خالد السلطان، عمرو خالد.
- (9) بيوت مطمئنة، د. ناصر العمر